

تاریخ فلاسفه اسلام

آقامحمد رضا صهبای قمشهای (۱)

(وفات سال ۱۳۰۶ قمری)

مختصر ترجمه احوال او.

درباره آقامحمد رضا قمشهای در کتاب (المآثر والآثار چنین نوشته شده :
آقامحمد رضا از قمشهای اصفهان و از صدابید مدرسین کتب عرفان بود او آخر
عمر بنهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدر اعظم مجلس افاضت و افادت همی
داشت کتب محیی الدین و شروح آنها را بضمیمه سایر مصنفات متصوفه و رسایل
عرفا تدریس می فرمود مردی درویش نهاد و بی ادعا و دوران تعیین بود امسال
که یک هزار و سیصد و شش هجری است در دارالخلافت وفات یافت (۲)

کنت گوینو که از سال ۱۲۷۱ تا ۱۲۷۴ در تهران منشی سفارت فرانسه
و از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۱ وزیر مختار این دولت در ایران بود در کتاب خود
بنام ملل و نحل در آسیای مرکزی در باب آقامحمد رضا قمشهای چنین مینویسد:
و این مرد در زیر کی و فطانت در درجه اول و در علم صاحب مقامی
جلیل است حکمت و کلام را پیش حاجی محمد جعفر لاریجانی (۳) و میرزا حسن

۱- این قسمت از شرح احوال و آثار نخست در شماره اول سال سوم
مجله یادگار مرحوم عباس اقبال آشتیانی بقلم نویسنده این مسطور بچاپ رسیده
اینک با تجدید نظر کلی در اینجا طبع میگردد.

۲- ص ۱۶۴ چاپ تهران

۳- از شاگردان ملاعلی نوری حکیم

نوری (۱) فرا گرفته و در عرفان و تصوف که فن خاص اوست و در آن مهارتی بسزا دارد شاگرد حاجی سید رضی (۲) و حالیه در اصفهان بتدریس مشغول است، صاحب طرائق الحقایق درباره او چنین نوشته است:

آن بزرگوار مشرب صافی و اخلاق شافی داشت چندین سال در آن دیار تدریس کتب حکمت و عرفان نمود در سال مجاعه آن چه از ضیاع و عقار و مالیه داشت بفروخت و صرف طلاب و ققراه مینمود و در اواخر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدراعظم که در جلو خان مسجد شاه واقع است افادت و افاضت همی داشت گمان نمیرود فصوص الحکم را بعد از صدر قونیوی کسی بهتر از وی مباحثه نموده باشد و در آداب و نوامیس جهان محکم بود که گوئی ابو ذر وقت و سلمان عهد است.

بهر تقدیر در سال ۱۳۰۶ غره سفر در دارالخلافه وفات یافت و در ابن بابویه نزدیک مزار حاجی آخوند محلاتی مدفون شد و این شعر از منظومات آنجناب در خاطر است .

ساغر ز خون ماست باندازه نوش کن

این جام باده نیست که لبریز میکنی (۳)

۱- پسر ملاعلی نوری: ملاعلی بن مولی جمشید نوری مازندرانی مردی حکیم و فیلسوف بوده و در رجب هزار و دوست و چهل و شش در اصفهان وفات یافته و در نجف مدفون شد و از شاگردانش مرحوم حاجی ملاحادی سبزواری صاحب شرح منظومتین در منطق و حکمت است که در سال هزار و دوست و دوازده ممولد شده و بسال هزار و دوست و نود در سبزواری وفات یافته و در آنجا مدفون شد تاریخ تولدش (غریب) و عمرش (حکیم) و وفاتش حکیم غریب (رساله اصفهان، بضمیمه گاهنامه سال ۱۳۱۲ تألیف سید جلال الدین تهرانی چاپ تهران

۲- حاجی سید رضی لاهیجی نیز از شاگردان ملاعلی نوری بود که ابتدا در اصفهان تدریس نمیکرده سپس به تهران آمده و بسال ۱۲۷۰ وفات کرده است برای شمه‌ای از احوال او رجوع کنید بکتاب المآثر و الآثار ص ۱۷۴- چاپ تهران.

۳- طرائق الحقایق قسمت خاتمه آن چاپ تهران

آقا محمد رضا از شاگردان میرسید رضی لاهیجی است که در اصفهان بدون تابی اشتغال داشت و روزگاری با آن کسب مینمود و او از شاگردان میرزا عبدالجواد شیرازی بود و سلسله استادانش منتهی میشود بملاعلی نوری (۷) و آقا محمد بیدآبادی (۸) سپس تا ملاصدرای شیرازی الی شیخ رئیس ابوعلی سینا در ایامی که هنوز به تهران نیامده بود زمستانها را در اصفهان بسر میبرد و بقیه ایام را در قمشه میگذراند.

عارف قمشهای مردی خوش اخلاق و باذوق و عارف و مودب بود و در اواخر در مدرسه صدر تهران درس میگفت و در اویش بسیاری اطرافش بودند از شاگردان معروف ایشان میرزاهاشم اشکوری و میرزا علی محمد اصفهانی معروف بحکیم است که سابقاً معلم مدرسه سیاسی تهران بود و صفای اصفهانی که از شعرای معروف است دیگر آخوند ملا محمد فانی سمنانی از بزرگان علمای قرن اخیر که در حدود هفتاد و هفت سال عمر کرد و در فروردین هزار و سیصد و دو هجری شمسی وفات نمود و ملاعلی سمنانی از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری و غیر ایشان .

وفات حاج ملاعلی مجتهد معروف کنی و آقا محمد رضا قمشهای در یک شب بود اما اگر در وفات ملاعلی کنی تمام عالم شیعه عزاداری کردند و تعطیل عمومی شد در تشییع جنازه آقا محمد رضا فقط چند نفر مثل میرزا ابوالحسن جلوه حضور داشتند.

۷- ملاعلی نوری از شاهیر حکما قرن سیزدهم شاگرد آقا محمد بیدآباد

متوفی سال ۱۲۴۶

۸- آقا محمد جیلانی ساکن محله بیدآباد اصفهان از شاگردان ملا اسماعیل

خواجهی: آقا محمد بیدآبادی . مولی محمد بن محمد رفیع گیلانی که بواسطه توقف در محله بیدآباد اصفهان به بیدآبادی معروف گردید از متأخرین حکماء است و در زمان حکومت علی مراد خان زند بسال ۱۱۹۷ وفات یافت و در طرف شرقی تکیه آقا حسین خوانساری خارج از تکیه مدفون گردیده است و از شاگردان وی میرزا ابوالقاسم مدرس اصفهانی مدرس چهارباغ و آخوند ملاعلی نوری حکیم الهی معروف می باشد در ساله اصفهان بضمیمه گاهنامه ۱۳۱۲ تالیف سید جلال الدین تهرانی چاپ تهران.

شاد روان شریعت گیلانی حکایت کرد مرا که پس از وفات آقا رضا قمشه دونفر جمال باتنی چند از شاگردان و دوستان استاد جسد پاک عارف وارسته و حکیم فرزانه را با آرامگاه ابن بابویه نقل کردند در آنروز جمعیت تهران برای تشییع جنازه عالم بزرگ مذهب جعفری مویه کنان بسوی مراسم سوگواری می‌شتافتند ولی برای وفات عارف و حکیم و مدرس فلسفه اشراق تو گوئی فرامرز هرگز نبود (۹) این داستان را برای استادالاساتید آقا ضیاءالدین عراقی در نجف اشرف حکایت نمودم بالبخندی استاد ما گفت: آن نکبت فلسفه یونان و این برکت فقاہت: درسه جعفر بن محمد «علیهم السلام» بود .

شادروان آقامیرزا محمد طاهر تنکابنی حکیم بزرگوار عصر ما حکایت کرد مرا که : پس از وفات آقا محمد رضا چون بدرس میرزا ابوالحسن جلوه «موقوفی سال ۱۳۲۴» رفتم کتاب تمهید القواعد ابن ترکه را شروع بخواندن کردیم میرزا را عادت بر این بود که تا کتابی را تصحیح نمی‌کرد شروع به بحث در آن نمی‌نمود ، آقا میرزا ظاهر میگفت میدیدم آن تمهید القواعدی که در نزد آقا محمد رضا خوانده بودیم صفحه بصفحه و گاهی سطر بسطر افتاده داشت و او به نیروی بیان عرفانی مباحث کتاب را تقریر می‌نمود . لیکن مرحوم

۹- شریعت گیلانی «آقامیرزا محمد باقر مجلسی» از روحانیان پاکباز و بنام تهران بشمار میرفت ، روزگار آشفته ۱۲۹۹ خورشیدی از ترس ورود سربازان بیگانه برشت همه مردم پریشان‌وار بتهران فراری شدند ، گویند شریعت گیلانی خانه‌اش را پناهگاه و آسایشگاه هم‌شهریانش قرار داده قضا را در آنزمان بولی بزحمت برای خرید خانه فراهم کرده بود و قرارداد خریدم نوشته شده آنرا فسخ نمود و برای گذران گیلانیان آواره بمصرف رسانید و پیرو استاد خود آقا محمد رضا قمشه‌ای شد که . قرارداد کف آزادگان نگیرد مال نگارنده این‌سطور گذشته از خویشاوندی با آن بزرگ مرد خاطر هائی نیکو از او بیادگار دارد ، خدایش رحمت کناد پدر استاد ارجمند محمد مجلسی بود .

میرزا ابوالحسن جلوه (۱۰) ابتداء تمام کتاب (۱۱) را اصلاح مینمود سپس درس میگفت، از این مقایسه کوچک طرز دقت و تحقیق میرزای جلوه بسا روش تدریس عارف قمشه‌ای کاملاً آشکار و مبرهن میشود.

آقا محمد رضا قمشه‌ای با حاج ملاهادی سبزواری معاصر بودند، لیکن رونق حوزه علمیه حکیم سبزواری بیشتر از محفل بحث عارف قمشه‌ای بود. از آقا محمد رضا علت را پرسیدند؛ با نهایت انصاف و بی‌تظری در پاسخ شاگردانش گفت: چون زهد و ورع حاجی بر مقام علمی او غلبه دارد عاشقان حکمت و عرفان بیشتر بحوزه‌های علمی و روحانی وی بسبزواری می‌شناوند. (۱۲)

بعقیده نگارنده این سطرها، میشود میان فلسفه ریاضی اسپینوزا و عرفان استدلالی صدرالدین قونوی در این کتاب «تمهید القواعد» شباهتی باشد. از لحاظ اینکه اسپینوزا بحث‌های فلسفی و عرفانی و اخلاقی را که صرفاً کیفی است با اصول ریاضی یعنی روش استدلال آن که صرفاً کمی است توفیق داده است، و حکیم قونوی هم بحث‌های ذوقی و عرفانی را که نیسانمند بیک انبساط ذهنی و ذوقی است با نظم منطق ارسطو که پایه‌هایش بر یک رشته از دستوره‌های شبیه بقواعد جبری می‌باشد متناسب ساخته است.

«بقیه دارد»

- ۹- برای شرح احوال و آثار میرزای جلوه نگاه کنید بکتاب تاریخ فلاسفه اسلام تألیف مرتضی مدرسی چهاردهمی دو جلد چاپ تهران.
- ۱۰- مقصود کتاب تمهید القواعد تألیف افضل‌الدین محمد بن ترکه اصفهانی است در شرح قواعد توحید که از علمای نزن هفتم هجری بوده و آن کتاب بسا شرح آن از صائین‌الدین علی نواده مؤلف در ۱۳۱۵ ه. ق. در تهران بچاپ رسیده است با آنکه چاپ سنگی است سراسر غلط دارد.
- ۱۱- رساله زندگانی و فلسفه حاج ملاهادی سبزواری، و کتاب «تاریخ فلاسفه در اسلام» در دو جلد از تألیفات مرتضی مدرسی چهاردهمی چاپ تهران.